

Submit Date: 31 May 2025
Revise Date: 26 August 2025
Accept Date: 06 September 2025
Publish Date: 22 June 2026

The Encyclopedia of Comparative Jurisprudence and Law

Examining the Jurisprudential Foundations of Civil Liability in the Transmission of Contagious Diseases (Principles of No Harm, Direct Damage, and Causation)

Seyed Hossein Mohaimeniannezhad¹, Hassan Heidari^{*1}, Seyed Hessamoddin Hosseini¹

1. Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Ahv.C., Islamic Azad University, Ahvaz, Iran.

* Corresponding Author's Email: Hassan.h@iau.ac.ir

ABSTRACT

This study seeks to examine the jurisprudential foundations of civil liability arising from the transmission of infectious and communicable diseases. Given the importance of public health and the experiences of global epidemics, clarifying the religious and legal duty of the patient or potential carrier has particular significance. The present research, using a descriptive and analytical method and supported by library resources, analyzes three important jurisprudential principles as the basis of civil liability. The findings indicate that the principle of La Darar (no harm) as a key foundation prohibits any act or omission that causes health-related harm to others. On this basis, an individual who, knowingly and deliberately, exposes others and thereby spreads disease is liable for the damages incurred. The principle of Itlaf (direct damage) applies in cases where a person directly and immediately acts as the cause of transmission (such as deliberately sneezing or coughing on another person). In such instances, the individual is considered a mubashir (direct agent) in the destruction of another's health and is held responsible. Furthermore, the principle of Tasbib (causation) is applicable when a person indirectly, through preparatory or negligent conduct, facilitates the transmission of disease. Failure to observe quarantine, concealing illness, or unauthorized use of contaminated public instruments and facilities constitute instances of tasbib. According to this principle, the musabbib (indirect cause) is deemed liable.

Keywords: Civil liability, communicable diseases, principle of no harm, direct damage, causation

How to cite: Mohaimeniannezhad, S. H., Heidari, H., & Hosseini, S. H. (2026). Examining the Jurisprudential Foundations of Civil Liability in the Transmission of Contagious Diseases (Principles of No Harm, Direct Damage, and Causation). *The Encyclopedia of Comparative Jurisprudence and Law*, 4(2), 1-14.



تاریخ ارسال: ۱۰ خرداد ۱۴۰۴

تاریخ بازنگری: ۴ شهریور ۱۴۰۴

تاریخ پذیرش: ۱۵ شهریور ۱۴۰۴

تاریخ چاپ: ۱ تیر ۱۴۰۵

دانشنامه فقه و حقوق تطبیقی

بررسی مبانی فقهی مسئولیت مدنی در انتقال بیماری‌های مسری (قاعده لاضرر، اتلاف، تسبیب)

سیدحسین مهیمیان نژاد^۱، حسن حیدری^{۲*}، سیدحسام الدین حسینی^۱

۱. گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران.

* پست الکترونیک نویسنده مسئول: Hassan.h@iau.ac.ir

چکیده

این پژوهش بر آن است تا به بررسی مبانی فقهی مسئولیت مدنی ناشی از انتقال بیماری‌های عفونی و قابل سرایت بپردازد. با توجه به اهمیت سلامت جامعه و تجربیات اپیدمی جهانی، تبیین تکلیف شرعی و حقوقی فرد بیمار یا ناقل بالقوه دارای اهمیت خاصی است. تحقیق حاضر با روش توصیف و تحلیل داده‌ها و کمک منابع کتابخانه‌ای، سه قاعده مهم فقهی را به عنوان اساس مسئولیت مدنی تحلیل کرده است. نتیجه اینکه قاعده لاضرر به عنوان اصلی کلیدی، هرگونه فعل و ترک فعل که موجب ایراد ضرر بهداشتی به دیگران شود را منع می‌نماید. بر همین مبنا فردی که با علم و عمد، خود را در معرض غیر قرار داده و باعث انتشار بیماری شود، ضامن خسارات وارده است. قاعده اتلاف نیز در مواردی جاری است که شخص به صورت مستقیم و بی‌واسطه، عاملی برای انتقال بیماری باشد (مانند عطسه یا سرفه عمدی روی دیگری). در این صورت وی به عنوان «مباشّر» در اتلاف سلامتی دیگری مسئول شناخته می‌شود. همچنین قاعده تسبیب زمانی مصداق خواهد یافت که شخص به صورت غیرمستقیم و با انجام رفتاری زمینه‌ساز، انتقال بیماری شود. رعایت نکردن قرنطینه، پنهان کردن بیماری، یا استعمال غیرمجاز ابزار و وسایل عمومی آلوده، از مصادیق تسبیب به شمار می‌رود و فرد «مسبب» بر اساس این قاعده ضامن است.

کلیدواژگان: مسئولیت مدنی، بیماری‌های مسری، قاعده لاضرر، اتلاف، تسبیب

نحوه استناددهی: مهیمیان نژاد، سیدحسین. حیدری، حسن. و حسینی، سیدحسام الدین. (۱۴۰۵). بررسی مبانی فقهی مسئولیت مدنی در انتقال بیماری‌های مسری (قاعده لاضرر، اتلاف، تسبیب). *دانشنامه فقه و حقوق تطبیقی*، ۴(۲)، ۱-۱۳.



مقدمه

در حال حاضر بیماری‌های مسری نوظهور از نوع کشنده در حال افزایش بوده و سالیانه باعث مرگ بسیاری می‌گردد معدودی از این بیماری‌ها مطلقاً کشنده برخی به صورت نسبی کشنده اکثراً نیز غیر کشنده به حساب می‌آید. ویژگی‌های موجود در بیماری‌های مسری از جمله وجود فاصله زمانی بعضاً زیاد از زمان انتقال تا حدوث نتیجه آگاهی یا عدم آگاهی طرفین از آلوده بودن به ویروس رضایت طرفین در پاره موارد و مشخص نبودن شخص انتقال دهنده وسعت و تداخل آثار ناشی از انتقال با وقایع دیگر باعث صعوبت احراز و اثبات رابطه استناد البته از نوع واقعی و ماده آن به عنوان شرط ضروری در توجه زمان از یک سو و انتساب عناوین متفاوت مجرمانه بر مرتکب از جهت دیگر خواهد شد. هرچند از لحاظ اثباتی به دلایل فوق در راستای احراز رابطه استناد با پیچیدگی‌های مواجهیم و برخی از فقها و حقوقدانان نیز به دلیل این صعوبت، اجرای قصاص و یا حد را بر منتقل کنندگان بیماری‌ها منتفی دانستند. لیکن این مسائل مانع اثبات و اجرای مجازات‌هایی از نوع تعزیر حتی حدود و یا قصاص در منتقل کننده نبوده و تطبیق موضوع با ویژگی‌های مندرج در قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲ نیز موید احراز عناوین مجرمانه مختلف دارای مجازات‌های پیش گفته است. جامعه بشری جامعه پویا در حال حرکت دگرگونی پیشرفت و تازه شدن در ابعاد و ساخته‌های مختلفی است. لازمه جدایی ناپذیر این پویایی و حرکت مداوم ظهور بروز پدیده‌های جدید و به تبع آن برخی حوادث آسیب‌ها و مشکلاتی است که گاه به شکل فزاینده و خطرناکی دامنگیر جامعه انسانی می‌شود. یکی از رخدادهایی که گاه و بیگاه جامعه بشری را تهدید می‌کند بروز بیماری‌های جدیدی است که به صورت طبیعی یا با دستکاری و دخالت بشر به وجود آمده و زندگی و سلامت افراد جامعه را به مخاطره می‌اندازد. انتقال سهوی یا عمدی بیماری خواه به مباشرت باشد یا به تسبیب موضوع بیماری‌ها را که غالباً منشأ

طبیعی دارند ابعاد حقوقی بخشیده است. در این پژوهش تلاش شده است با استفاده از منابع و متون فقهی و حقوقی ابعاد مختلف مسئولیت ناشی از انتقال بیماری‌های مسری و ویروس به دیگری تبیین گردد. طبق ضوابط و قواعد عمومی باب ضمان انتقال بیماری یا ویروس خطرناک مانند کرونا یا ایدز به دیگری به مثابه ایراد صدمه به دیگری بوده و می‌تواند ایجاد کننده رابطه استناد و مسئولیت باشد. مطابق تعریف جنایات، انتقال بیماری می‌تواند عناوین جنایات عمدی شبه عمدی و خطای محض را در فروض مختلف مسئله محقق سازد. هرچند که اثبات رابطه انتساب در مقام دادرسی در مواردی مانند انتقال ویروس کرونا که دوره نهفته و کمون نسبتاً طولانی دارد امری بسیار سخت است. حال باید دید مبانی فقهی مسئولیت مدنی در انتقال بیماری‌های مسری کدامند و قواعد فقهی لاضرر، اتلاف و تسبیب چگونه بر مسئولیت مدنی در این زمینه قابل تطبیق هستند؟

تبیین نظریه فقهی برای پاسخگویی به چالش‌های حقوقی ناشی از انتقال بیماری‌ها می‌تواند از جمله اهداف این تحقیق باشد. تا بتوان به ارائه راهکار برای نظام‌های حقوقی مبتنی بر فقه اسلامی پرداخت. این تحقیق بر اساس منابع کتابخانه‌ای و نرم افزارهای اینترنتی و با روش توصیف و تحلیل داده‌ها نگاشته شده است. این تحقیق از این جهت که یک بررسی تطبیقی بین بیماری‌های مسری در فقه و حقوق ایران می‌باشد کاملاً جدید و نوآورانه است. پیش از این در زمینه بررسی فقهی و حقوقی بیماری‌های مسری در ایران تحقیقی به عمل نیامده است.

مفاهیم

مبانی فقهی

مبانی جمع واژه مبنی و بر وزن مفاعل و از ماده (بني) گرفته شده است. (بني) از منظر اهل لغت به معنی ریشه و بیخ معنا شده است. (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۳۰۲) از میان اهل لغت و ادبیات عرب، زمخشری در رابطه با معنی این لفظ چنین نوشته است که

جلوگیری مطرح شده است که مربوط به خطرات مظنون محقق نشده هم فراتر رفته و «اصل احتیاط» را هم شامل می‌شود (Qeysari et al., 2021).

در مسئولیت مدنی در نگاه عدالت ترمیمی، هدف مسئولیت مدنی بر مبنای مفهوم معامله یا مقابله به مثل متوازن تحلیل و توجیه می‌شود؛ لذا اگر به دلیل وقوع جرم یا شبه جرمی مدنی خسارتی به وجود می‌آید، برقراری مساوات محاسباتی یا مساوات تناسبی چنین اقتضا دارد که از دیدگاه حسابی و ارزشی دقیقاً متناسب با میزان زیان وارد شده، جبران خسارت شود؛ در این نوع از عدالت، تمام تمرکز بر یافتن حد وسطی دقیق میان نفع و زیان است، بنابراین دادرس حکم به جبران خسارت آن هم به صورت دقیق به اندازه زیان وارد شده می‌دهد؛ خواه ضرر زننده فقیر باشد یا غنی، محجور باشد یا غیرمحجور، ممیز باشد یا غیرممیز. معنای مسئولیت در اصطلاح حقوقی از معنای لغوی خود دور نیست؛ چراکه در جامعه مسئول بودن یا مسئولیت به این معناست که فرد باید پاسخگوی برخی از اعمال خود باشد و این پاسخگویی اگر در دادگاه خداوند متعال یا در نزد وجدان صورت گیرد، مسئولیتی که با آن روبرو هستیم، مسئولیت اخلاقی است، و در صورتی که در برابر حقوق موضوعه انجام پذیرد مسئولیتی که با آن مواجه هستیم مسئولیت حقوقی است. مسئولیت حقوقی هم به نوبه خود می‌تواند به مسئولیت جزایی و مسئولیت مدنی تقسیم شود. مسئولیت مدنی هم در معنای گسترده خود به دو قسم: مسئولیت قراردادی و مسئولیت غیر قراردادی (قهری) تقسیم می‌شود. «مسئولیت مدنی» در معنای مضیق و اخص خود فقط شامل مسئولیتهای غیر قراردادی است که از آن در فقه و قانون مدنی به ضمان قهری یاد شده اند. در اینجا مقصود همین معنای اخص و مضیق است؛ یعنی ضمان قهری و الزامات خارج از قرارداد؛ چراکه مبحث ضمان و مسئولیت قراردادی در حقوق مدنی و مسئولیت جزائی در حقوق جزاء، و مسئولیت اخلاقی در کتب اخلاق مورد

(بنی) به معنای ساختن یک بنا است. گروهی از اهل لغت عرب هم برای بیان معنی این لفظ از نقیض آن بهره برده اند که از آن جمله ابن منظور است که می‌گوید (بنی) نقیض ویرانی است (Ibn Manzur, 1994).

مبانی در اصطلاح عبارت است از قواعد و اصولی است که برهان از آن قواعد و اصول تشکیل می‌شود، بر این مقدمات و مبادی عنوان مبانی اطلاق می‌شود اما این مقدمات و مبادی را از کجا می‌توان استنباط نمود؟ مدرک آن‌ها را منابع بحث می‌گویند. نتیجه اینکه کلمه مبانی، به معنای ریشه، پایه، اصل و اساس است که تقریباً همگی یک مطلب را به ذهن متبادر می‌نماید؛ هر چند قواعد کلی و عمومی فقهی غالباً بر مبانی منطبق است و منشأ بسیاری از اختلافات در مباحث فقهی از همین مطلب سرچشمه می‌گیرد. بنابراین مبانی فقهی همان دلائل و قواعد و اصولی است که منبع استنباط احکام به شمار می‌روند.

مسئولیت مدنی

مسئولیت مصدر جعلی از واژه مسئول و آن اسم مفعول از ریشه (س أ ل) به معنای طلب (Ibn al-Athir)، درخواست معرفت و یا مال است (Al-Raghib al-Isfahani, 1992). بنابراین مسئول به معنای کسی است که مورد بازخواست یا طلب و درخواست قرار می‌گیرد. در تعریف مسئولیت مدنی چنین گفته شده است: «تکلیف زیان‌زننده به جبران خسارتی که بدون مجوز قانونی وارد کرده است.» (Ansari, 2005).

اکنون باور بر این است که هدف نهایی مسئولیت مدنی، پیشگیری از ورود خسارت و توقف فعل زیانبار در صورت روی دادن آن است و نباید تناه به جبران خسارت در صورت تحقق آن اکتفا کرد. این نتیجه‌گیری نه تنها بر اساس اصول مربوط به کارایی اقتصادی توجیه‌پذیر است، بلکه ملاحظات اخلاقی، انسانی و شرعی و اصل فقهی احتیاط و قاعده وجوب دفع ضرر محتمل هم آن را تأیید می‌کنند. حتی در حقوق مدرن مسئولیت مدنی، مباحث از اصل

ضرری محقق شد اصولاً دیگر اندک بودن آن نباید تأثیری در محقق شدن مسئولیت داشته باشد و تفاوتی میان ضررهای کم و زیاد نیست. ضرر و زیان هر چند کم باشد قابل اقامه دعوا و مستلزم جبران آن است، مگر آن که آن قدر کم باشد که در عرف کسی حاضر به اقامه دعوا نباشد. مسئولیت مدنی و ضمان قهری، برای جبران ضرر و زیانی است که به زیان‌دیده وارد شده است؛ بنابراین عدم اهلیت فاعل از جهت رشد و عقل تأثیری در امر نداشته و نمی‌توان شخصی را که صغیر یا مجنون است، غیر مسئول شناخت و بی‌عدالتی که در نتیجه اضرار آنان در جامعه به وجود آمده است بدون جبران گذاشت. به همین دلیل است که ماده ۱۲۱۶ قانون مدنی چنین مقرر داشته است: «هرگاه صغیر یا مجنون یا غیر رشید باعث ضرر غیر شود ضامن است.»

در این صورت چنانچه آنان اموالی از خود داشته باشند، ولی یا قیم آنان از آن می‌پردازد و الا دین بر ذمه آنان ثابت و باقی است تا آنکه دارایی پیدا کنند. لذا، ضرر و زیان از طرف هر شخصی که ایجاد شود (هر چند غیر بالغ و غیر رشید باشد) آن فرد مسئول شناخته می‌شود و باید آن را جبران نماید. ضرر لفظی است عربی که در لغت عرب برای آن معانی مختلف گفته شده و این اختلاف نیز نشأت گرفته از استعمالات مختلف است. به عنوان نمونه به بعضی از آن‌ها اشاره می‌شود؛ صحاح اللغة، ضرر را خلاف نفع معرفی می‌کند (Al-Jawhari, 1990). طریحی در مجمع البحرین ضرر را نقص در حق بیان کرده است (Al-Turayhi, 1996). ضرر در معانی ذیل هم به کار می‌رود:

- صدمه جانی زدن به خود و دیگری، خواه به صورت ضرب و جرح باشد و خواه به صورت قتل.

- تجاوز به حیثیت دیگران و لطمه زدن به حیثیت خود. (ضرر معنوی)

- تعرض به ناموس دیگران. (ضرر معنوی)

بررسی قرار می‌گیرد. بنابراین، مسئولیت مدنی عبارت است از الزام شخص به جبران خساراتی که در نتیجه عمل منتسب و مرتبط به او به دیگری وارد آمده است (Taheri, 1998).

قاعده لاضرر: بررسی ادله و شمول آن بر منع انتقال ضرر و بیماری به دیگران

یکی از اسباب ضمان قهری و مسئولیت مدنی، ایجاد ضرر است؛ به این معنا که اگر کسی کاری کرده و یا سخنی گفته و یا شهادتی داده و یا به هر طریق دیگر، که موجب زیان دیگری شده باشد (اعم از ضرر مادی و یا ضرر معنوی) باید زیان وارد شده را جبران کند؛ قاعده «لا ضرر و لا ضرار» هم پشتوانه این دیدگاه است. ماده ۱۳۲ قانون مدنی و ماده اول قانون مسئولیت مدنی هم ناظر به همین جهت هستند (Taheri, 1998).

برای این که مسئولیت مدنی محقق شود، باید ضرری متوجه کسی شود؛ چراکه اگر زیانی وجود نداشته باشد، مسئولیتی هم محقق نمی‌شود. ولی در مسئولیت جزائی وضع بر خلاف این است؛ چراکه در مسئولیت جزایی یا کیفری، شروع به جرم بدوم آنکه ضرری وارد شده باشد، موجب مجازات است، چنانکه در ماده ۴۱ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۷۰ آمده است: «هر کس قصد ارتکاب جرمی کند و شروع به اجرای آن نماید لیکن جرم منظور واقع نشود، چنانچه عملیات و اقدامات انجام گرفته جرم باشد محکوم به مجازات همان جرم می‌شود.»

نیز در رابطه با برخی از امور خلاف، مثل راننده‌ای که در جهت مخالف از یک خیابان یک طرفه عبور نماید در این صورت به دلیل عدم وقوع زیان و آسیب نرسیدن به دیگری مسئولیت مدنی محقق نمی‌شود، ولی سرپیچی از مقررات راهنمایی و رانندگی مسئولیت کیفری ایجاد می‌کند. این وجه تمایز در مقایسه با مسئولیت اخلاقی بیشتر و روشن‌تر نمایان می‌گردد؛ چراکه مسئولیت اخلاقی پندار زشت و نکوهیده را هم در بر می‌گیرد. لذا برای اقامه دعوای مسئولیت مدنی وجود زیان حتمی و ضروری است و همین که

-اتلاف و ناقص کردن اموال خود و دیگران و تجاوز به مال غیر، مانند غصب و خیانت در امانت و اختلاس.

-ممانعت از وجود پیدا کردن نفعی که مقتضی وجود آن حاصل شده است (عدم النفع) مانند کندن درختان میوه‌ای که شکوفه دارند؛ زیرا همین داشتن شکوفه مقتضی دادن میوه است و میوه منفعت درخت است.

امروز در متون حقوقی «عدم النفع» هم در شمار خسارات آمده و جبران آن را ضروری می‌دانند؛ از آن جمله در انتهای ماده ۷۲۸ قانون آیین دادرسی مدنی چنین آمده است: «ضرر ممکن است به واسطه از بین رفتن مالی باشد یا به واسطه فوت شدن منفعتی که از انجام تعهد حاصل می‌شده است.»

در سرایت دادن بیماری‌ها هم زیان ممکن است مادی و یا معنوی و یا هر دو باشد. به این ترتیب که فرد در اثر بیمار شدن باید هزینه‌های درمان خود را متقبل شود و این همان خسارت‌های مادی است که به وی وارد شده است. نیز درد و رنجی که متحمل می‌شود، می‌تواند به عنوان زیان مادی و معنوی محسوب شوند. استرس‌ها و اضطراب‌های حاصل از این بیماری هم زیان معنوی است. از میان رفتن منافع مثل بیکاری و یا حتی عدم توان برای استفاده از امکانات هم زیان‌های مادی است که در صورت تشخیص می‌توان آن‌ها را جبران نمود. مطابق صریح این ماده عدم النفع مصداق زیان محسوب شده است و زمانی که ضرری حاصل شود جبران آن هم واجب می‌شود. در ماده ۹ آیین دادرسی کیفری در بند ۳ در تعریف زیان چنین آمده است: «منافعی که ممکن الحصول بوده و در اثر ارتکاب جرم، مدعی خصوصی از آن محروم می‌شود.»

با توجه به موارد کاربرد ضرر و تقسیم آن به مادی و معنوی، می‌توان زیان را به صورت خلاصه چنین تعریف نمود که در هر جا که نقصی در اموال ایجاد شود یا منفعت مسلّمی از دست برود (ضرر مادی) یا به سلامت و حیثیت و عواطف شخص لطمه‌ای

وارد آید، (ضرر معنوی) می‌گویند ضرری به بار آمده است. هر چند که در عرف اطلاق زیان بر هتک حیثیت و لطمه بر عواطف، رایج نیست، ولی همان طور که بیان شد امروزه بر این نوع امور هم زیان اطلاق می‌شود و آن را ضرر معنوی می‌گویند؛ بنابراین در مواد ۱، ۲ و ۱۰ قانون مسئولیت مدنی و مواد دیگر و همچنین در ماده ۹ آیین دادرسی کیفری در بند ۲ به زیان معنوی اشاره شده است (Taheri, 1998). برای جبران ضرر قابل جبران شرایطی را می‌توان بیان کرد:

قطعی بودن ضرر: در «ماده ۷۲۸» قانون آیین دادرسی مدنی در فصل مربوط به «خسارت حاصل از عدم انجام تعهد» آمده است که: «... در صورتی دادگاه حکم خسارت می‌دهد که مدعی خسارت ثابت کند که ضرر به او وارد شده است...» هر چند که این ماده مربوط به خسارات حاصله از عدم انجام تعهد و مسئولیت قراردادی است، اما بر اساس وحدت ملاک می‌توان آن را به مسئولیت مدنی نیز سرایت داد.

شخصی بودن ضرر:

منظور از شخصی بودن ضرر آن است که فقط همان کسی که در اثر فعل زیانبار، زیان دیده و یا وکیل او حق دارد که خواستار جبران خسارت بشود، نه آن که هر کسی حق داشته باشد اقامه دعوا نماید. مطابق ماده ۹ آیین دادرسی کیفری شخص متضرر می‌تواند مدعی خسارت باشد: «کسی می‌تواند به عنوان مدعی خصوصی به تبع ادعای دادستان مطالبه ضرر و زیان کند که از وقوع جرمی متحمل ضرر و زیان شود.

مستقیم بودن ضرر:

منظور از مستقیم بودن ضرر این نیست که هیچ علت دیگری در ورود ضرر دخالت نداشته باشد، بلکه باید به صورتی باشد که در عرف ضرر وارد شده مستند به فعل زیانبار این شخص باشد، و کافی است که رابطه سببیت عرفی احراز گردد. ماده ۳۲۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ چنین مقرر داشته است: «هرگاه

همسایه ممنوع کرده است به جز در شرایط معین. در مواد ۱۳۸ و ۱۳۹ قانون مدنی تصرف در حریم را به منظور جلوگیری از ضرر به صاحب حریم منع کرده و میزان حریم را به اندازه‌ای معین کرده که برای دفع ضرر کافی باشد. در ماده ۱۵۹ قانون مدنی استفاده از آب رودخانه برای احیای اراضی جدید را منوط به عدم تضییق و اضرار به صاحبان اراضی سابقه کرده است. در مواد ۵۹۱ و ۵۹۲ قانون مدنی تقسیم مال مشترک را در صورتی که متضمن ضرر شریک ممتنع باشد بدون رضای شریک متضرر ممنوع نموده است. در ماده ۵۹۴ قانون مدنی در تنقیه یا تعمیر قنات مشترک برای دفع ضرر، اجبار شریک ممتنع را به شرکت در تنقیه و تعمیر یا اجاره یا فروش سهم او اجازه داده است. در ماده ۶۰۰ قانون مدنی به هم زدن تقسیم را به لحاظ ظهور عیب در حصه یک یا چند نفر از شرکا به لحاظ ضرر وارده روا دانسته است. در ماده ۸۳۳ قانون مدنی تأخیر اعلام رد یا قبول «موصی له» را در صورتی که موجب زیان ورثه باشد، موجب اجبار او از طرف حاکم بر اعلام تصمیم شناخته است. در ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی ورود ضرر و زیان را به زوجه از موارد اجبار شوهر به طلاق تعیین نموده است.

بنابراین می‌توان ادعا کرد که بنابر موارد فوق، هر نوع اضرار دارای ضمان است. در رابطه با موضوع حاضر گفتنی است که قاعده لاضرر دلالت بر ضمان فردی دارد که اقدام به سرایت دادن بیماری خود به دیگری دارد. گرچه این موارد مربوط به تعارض حق و لاضرر است، ولی می‌توان از این موارد دلالت بر ضمان را فهمید. از طرفی به نظر می‌رسد اگر فرد بیمار با ادعای حق مبنی بر معاشرت و تعامل با دیگران، موجب سرایت شود، می‌توان با استناد به عموم همین مواد وی را ضامن دانست. زیرا افراط و تعدی از موجبات ضمان بیان شده است.

قاعده اتلاف: مسئولیت ناشی از اقدام مستقیم در انتقال بیماری
اتلاف از ماده (ت ل ف) به معنای نابودی در هر چیزی است (Al-Farahidi, 1989). تلف به معنای از میان رفتن عین یا منافع

کسی دیگری را بترساند و موجب فرار او گردد و آن شخص در حال فرار خود را از جای بلندی پرت کند یا به درون چاهی بیفتد و بمیرد، در صورتی که آن ترساندن موجب زوال اراده و اختیار و مانع تصمیم‌گیری او گردد، ترساننده ضامن است.»

ضرر قبل جبران نشده باشد:

به این معنا که اگر زیان‌دیده از هر راهی خسارت خویش را دریافت دارد، دیگر حق مطالبه جبران خسارت را نخواهد داشت. در غصب طی ماده ۳۱۷ برای غاصبان متعدد در برابر مالک مسئولیت تضامنی پیش‌بینی کرده است و در ماده ۳۱۹ چنین بیان داشته است: «اگر مالک تمام یا قسمتی از مال مغضوب را از یکی از غاصبین بگیرد حق رجوع به قدر مأخوذ به غاصبین دیگر ندارد.»

مطالبه جبران خسارت مشروع باشد:

مقصود از مشروع بودن مطالبه خسارت این است که فرد در صورتی می‌تواند خواستار جبران خسارت وارد شده بر خود باشد که قانوناً دارای حقی بوده و حش ضایع شده باشد؛ بنابراین در ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی چنین آمده است: «هر کس بدون مجوز قانونی عمداً یا در نتیجه بی‌احتیاطی به جان یا سلامتی یا مال و یا آزادی یا حیثیت یا شهرت تجارتي یا به هر حق دیگری که به موجب قانون برای افراد ایجاد گردیده... مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود می‌باشد.»

قانون مدنی ایران در معارضه اعمال حق و قاعده لاضرر، حاکمیت لاضرر را قبول کرده است. موارد ذیل به عنوان نمونه ارائه می‌شود: در ماده ۶۹ قانون مدنی صحت وقفی را که به دلیل زیان دیان واقع شده، منوط به اذن دیان دانسته است. در ماده ۱۱۴ قانون مدنی اجبار شریک برای تعمیر دیوار مشترک در صورتی که دفع ضرر به طریق دیگر ممکن نباشد مجاز شناخته شده است. در ماده ۱۲۲ قانون مدنی اجبار صاحب دیوار مشرف به خرابی را به تخریب آن، به علت خوف اضرار به غیر پذیرفته است. در ماده ۱۳۲ قانون مدنی تصرف مالک را در ملک خود در صورت استلزام تضرر

مال است که می‌تواند به صورت طبیعی یا به صورت غیر طبیعی رخ دهد. استعمال آن در کلمات علماء گاه با اضافه به مال، جان یا عضو انسان است؛ اما استعمال شایع آن اضافه به مال است؛ به طوری که در مقام اطلاق آن بدون قرینه، تلف مال به ذهن متبادر می‌شود. تلف در ابواب مختلف فقه مورد استفاده واقع شده است. اتلاف در فقه در مورد تباه کردن، نابود کردن و ضایع کردن مال غیر استعمال شده است و از آن در ابواب حج، تجارت، اطعمه و اشربه، غصب و.... سخن گفته شده است. حکم اولیه اتلاف مال غیر از حیث تکلیفی، حرمت و از حیث وضعی، ضمان است. از جمیع آیات و روایاتی که در این رابطه وجود دارند، قاعده‌ای به نام قاعده اتلاف استخراج شده است. مقصود اصلی از اتلافی که موجب ضمان است، اینکه از میان بردن مال یک مسلمان بدون اذن و رضایت وی، خواه از روی عمد باشد یا خطا در هر دو صورت فرد ضامن است (Mustafavi, 2001). حدیثی از معصوم علیه السلام روایت شده است که به دلیل شهرت آن در فتوا و عمل، می‌توان به آن عمل کرد: «من اتلف مال الغير فهو له ضامن؛ هر کس مال دیگری را تلف کند، ضامن است.» (Al-Husseini al-Maraghi, 1997).

اتلاف در این روایت می‌تواند دو قسم داشته باشد: اول) اتلاف حقیقی: به این معنا که فردی مال غیر را به صورت کلی از بین ببرد. به عنوان مثال لباس او را سوزانده و یا خانه‌ای را تخریب نماید. دوم) اتلاف حکمی یا اعتباری، اتلافی است که در آن اصل مال از بین نمی‌رود اما مالیت مال از بین می‌رود. فردی که به هر نحو مال کسی را از بین برده، ضامن جبران خساراتی است که به او وارد شده است. یکی از ادله مسئولیت مدنی در حقوق قاعده اتلاف است. این قاعده بیان کننده این نکته است که فرد با تلف کردن مال دیگری، به صورت قهری نسبت به جبران خسارت ضامن است. قانون مدنی در ماده ۳۰۷ امور ذیل را موجب ضمان قهری معرفی می‌کند: «۱- غصب و آنچه که در حکم غصب

است. ۲- اتلاف. ۳- تسبیب. ۴- استیفاء.» (Emami). مسلماً سرایت دادن بیماری به دیگری سبب اتلاف مال دیگری شده و صد البته بدون اذن اوست. بدیهی است که این مورد از مصادیق تجاوز و تعدی به دیگری به حساب می‌آید. مستنبط از آیه فوق دو چیز است: اولاً اعلام جواز یا به تعبیر دیگر، جعل حق مؤاخذه و مطالبه برای طرفی که مورد تعدی و تجاوز گرفته است. ثانیاً این که مورد مطالبه می‌تواند مقابله به مثل باشد، که در این حکم قرآنی، «مثل بگیرد»، کنایه از آن است که اگر مثلی باشد، مثل و اگر قیمی باشد قیمت گرفته شود. به بیان فوق، در آیه ۱۹۰ سوره بقره، حکم واضحی وجود دارد مبنی بر این که هر کس مال دیگری را تلف کند، ضامن آن است. به عبارت دیگر آیه در مقام جعل حق و بیان حکم وضعی است (Muhaghiq Damad, 1986). در میان روایات هم می‌توان به صورت واضح مدارک این قاعده را برداشت کرد که در مباحث پیشین مطرح شد. اتلاف بر دو قسم است: اتلاف حقیقی، اتلاف حکمی؛ اتلاف حقیقی آن است که شخصی مال دیگری را تماماً از میان ببرد، به عنوان مثال لباس یا فرش او را بسوزاند یا خانه‌اش را خراب کند؛ اما در «اتلاف حکمی» نفس مال از میان نمی‌رود، بلکه با بقای اصل مال، مالیت آن نابود می‌شود مثل این که فردی یخ و برف متعلق به دیگری را در فصل تابستان در مکانی پنهان نماید و در زمستان آن را اظهار و به صاحبش برگرداند. در اینجا، هر چند مرتکب، عین یخ و برف را نابود نکرده (اتلاف حقیقی) اما به این دلیل که آن را از مالیت و ارزش انداخته، مرتکب اتلاف حکمی شده است. در بحث حاضر نیز زیانی که به فرد بیمار می‌رسد، ضرر حقیقی است و آنچه از او تلف شده حکمی نیست. بلکه هزینه‌های درمان را می‌توان مالی محسوب کرد که به صورت حقیقی است. به نظر می‌رسد که به موجب اطلاعات ادله قاعده اتلاف، در پدید آمدن نوع ضمان، به هیچ وجه عنصر عمد و قصد دخالت ندارد. به همین دلیل فردی که با عمل خویش موجب تلف مال دیگری شده، ضامن و ملزم به جبران خسارت

مواد فوق همگی بیان کننده اصل جبران خسارت توسط کسی است که اتلاف توسط وی رخ داده است. نکته مهم در رابطه با این قاعده اینکه در اتلاف و الزام متلف به جبران خسارت وارده، تفاوتی میان علم و جهل نیست؛ به این معنا که خواه آن که فرد با علم و عمد مالی را تلف نماید و یا با غفلت و جهل، در هر دو حال ضامن است؛ چراکه دلیل «من اتلف...» شامل هر دو دسته است. علاوه بر اینکه در باب اتلاف و الزام متلف به پرداخت مثل یا قیمت، تفاوتی بین این که، شخص مباشرتا و مستقیما مالی را تلف کرده باشد و یا بالتسبیب سبب تلف باشد، در هر دو حال ضامن است. افزون بر اینکه فرق بین ضمان اتلاف و ضمان ید این است که: در ضمان اتلاف محور مسئولیت از بین بردن مال است و این امر ملازم با تحت ید درآوردن مال نیست، ولی در ضمان ید، اتلاف و از بین بردن مال، محور مسئولیت نیست، بلکه صرف وضع ید و تصرف و استیلا بر مال غیر است که موجب ضمان است (Taheri, 1998). بنابراین در سرایت دادن بیماری به افراد دیگر در صورت اتلاف ضمانت امری بدیهی است. خواه این عمل از روی جهل صورت گرفته باشد و یا علم. با قصد باشد و یا بدون قصد. اگر خسارت وارد شده به غیر، متوجه اموال او شده باشد، مثل یا قیمت باید پرداخت شود.

قاعده تسبیب: مسئولیت غیرمستقیم (مانند عدم رعایت پروتکل های بهداشتی)

قاعده تسبیب یکی از قواعد مهم فقهی است که به بررسی مسئولیت اشخاص در قبال خساراتی می پردازد که به صورت غیرمستقیم و از راه سبب های ایجاد شده توسط آن ها به دیگران وارد می آید. این قاعده در مباحث فقهی مثل حقوق مدنی، مسئولیت های ناشی از جرم و احکام مرتبط با ضمان مورد استفاده قرار می گیرد. این قاعده به عنوان یکی از قواعد فقهی مهم، نقش مهمی در تعیین مسئولیت اشخاص در قبال خساراتی دارد که به صورت غیر مستقیم به دیگران وارد می شود. این قاعده در فقه شیعه بر اساس دلائل قرآنی،

وارد شده است، اعم از اینکه از روی علم و آگاهی چنین کرده باشد یا بدون قصد، عملش چنین نتیجه ای داده باشد. قانون مدنی در ماده ۳۲۸ به این نکته اشاره کرده است. بنابراین، در ضمان اتلاف، تقصیر شرط نیست، اما انتساب شرط است و باید این عامل که رکن اصلی ضمان است احراز شود. همان طور که گفته می شود اگر خیاط با برش یا دوخت غیر صحیح، پارچه را ضایع نماید و از ارزش بیندازد، ضامن است، هر چند تعدی و تفریط از او سر نزده باشد؛ چراکه به هر حال عمل برش به او انتساب دارد و در نتیجه، تضییع پارچه به او منسوب است، و لو اینکه به علت اعمال دقت کامل، تقصیر نداشته باشد (Muhaghiq Damad, 1986). ماده ۳۲۸ قانون مدنی چنین مقرر داشته است: «هر کس مال غیر را تلف کند ضامن آن است و باید مثل یا قیمت آن را بدهد، اعم از اینکه از روی عمد تلف کرده باشد یا بدون عمد و اعم از اینکه عین باشد یا منفعت و اگر آن را ناقص یا معیوب کند ضامن نقص قیمت آن مال است.»

مطابق این ماده قانونی هزینه های درمانی که به واسطه بیماری به فرد وارد شده، باید توسط فرد منتقل کننده جبران شود. این ماده اتلاف عمدی و غیر عمدی را بیان کرده است. و نیز عین بودن و منفعت بودن را هم بیان کرده و تفاوتی میان آن دو قائل نشده است. ماده ۳۲۹ همان قانون نیز چنین می نویسد: «اگر کسی خانه یا بنای کسی را خراب کند باید آن را به مثل صورت اول بنا نماید و اگر ممکن نباشد باید از عهده قیمت برآید.»

آنچه که از این قانون استفاده می شود اینکه جبران خسارت باید توسط فرد خسارت زننده جبران شود. ماده ۳۳۰ هم چنین مقرر می دارد: «اگر کسی حیوان متعلق به غیر را بدون اذن صاحب آن بکشد باید تفاوت قیمت زنده و کشته آن را بدهد و اگر کشته آن قیمت نداشته باشد باید تمام قیمت حیوان را بدهد و لکن اگر برای دفاع از نفس بکشد یا ناقص کند ضامن نیست.»

اجتماع مباشر و مسبب

هرگاه سخن از سبب پیش می‌آید، بی‌تردید مباشر هم وجود دارد؛ چراکه معنای تسبیب انجام عمل با واسطه است و واسطه همان مباشر است. بدین ترتیب، اجتماع سبب و مباشر بدین مفهوم است که گاه ممکن است هم مباشر و هم مسبب در بروز خسارت دخالت باشد و قوت مباشر نمی‌تواند ضمان را از عهده مسبب رفع نماید (Muhagiq Damad, 1986). در رابطه با دلالت این قاعده بر موضوع حاضر گفتنی است اگر فردی با هر سببی عامل بیمار شدن دیگری شود، مسئول خساراتی است که به وی وارد می‌شود. البته در اینجا چنانکه گفته شد، زمانی ضمان وجود دارد که فرد بیمار، با علم و عمد و یا با وجود تفریط و افراط اقدام به سرایت بیماری کند. در این صورت مطابق این قاعده فرد سرایت دهنده مسئول خواهد بود.

شرایط تحقق مسئولیت

چنانکه گذشت دو عنصر اساسی در اتلاف و تسبیب وجود دارند که در صورت احراز آن‌ها حکم به مسئولیت می‌شود. ابتدا علم کسی است که مالی را تلف می‌کند و دوم عمد اوست. از دیدگاه فقها و حقوقدانان تقصیر که در قالب تفریط یا کوتاهی و افراط یا زیاده روی رخ می‌دهد، همانند عمد است. در قاعده اتلاف فردی که اقدام به تلف کردن مال دیگری کرده، خواه از روی عمد و علم باشد یا از روی تقصیر، مسئول جبران خسارت است. ولی در سببیت، آنچه که موجب ضمان است، احراز عنصر تقصیر است؛ با این توضیح که تنها در صورت وجود علم و آگاهی نسبت به اتلاف، فرد ضامن خواهد بود. نیز باید رابطه سببیت میان فعل فرد و انتقال بیماری احراز گردد تا بتوان حکم به ضمان نمود. در رابطه با بیماری‌های مسری نیز همین نکته صدق می‌کند. به این ترتیب که زمانی می‌توان حکم به ضمان فرد انتقال دهنده نمود که یا اتلاف به صورت مستقیم صورت گیرد و یا اینکه در صورت وجود اسباب، تقصیر وی احراز گردد. در صورت اتلاف مستقیم، علم و

روایی، عقلی و اجماع مورد استناد قرار گرفته است. برای تسبیب می‌توان به این مثال اشاره نمود که اگر کسی چاهی را بر سر راهی حفر نماید، و چیزی در آن سقوط کند، فرد حفر کننده سبب تلف و یا از بین رفتن مال است. اینها هر دو موجب ضمان هستند. فقهای شیعه به اتفاق این دو را موجب ضمان دانسته‌اند (Al-Najafi, 1984). امام خمینی در تعریف تسبیب می‌نویسد: «کل فعل يحصل التلف عنده بعلة غیره بحيث لولاه لما حصل التلف كحفر البئر و نصب السكين و إلقاء الحجر و إيجاد المعثر و نحوها» (Khomeini).

پس قاعده تسبیب به این معناست که اگر فردی با انجام عملی، سبب ایجاد خسارتی برای دیگری شود، حتی اگر به صورت مستقیم مرتکب آن عمل نشده باشد، مسئول جبران خسارت است. به عبارت دیگر، تسبیب به معنای ایجاد سبب برای وقوع خسارت است. در فقه شیعه، تسبیب با مباشرت تفاوت دارد. مباشرت به معنای انجام مستقیم عمل است که منجر به خسارت می‌شود، در صورتی که تسبیب به معنای ایجاد شرایطی است که به صورت غیرمستقیم باعث وقوع خسارت می‌شود.

عناصر تسبیب

دخالت عمد و قصد

احادیث در بحث تسبیب اطلاق داشته و شامل مرتکب با قصد و نیت و یا بدون قصد زیان رساندن به دیگری می‌شود. اگر مدارک قاعده، احادیث باشد، به علت عموم و شمول روایات، اعمال عمدی و غیر عمدی هر دو تحت حکم قرار می‌گیرند و فاعل به هر حال ضامن خواهد بود. در هر صورت هر چند عمد و قصد به اضرار لازم نیست، ولی احراز انتساب خسارت به فعل مسبب بی‌شک لازم است. به همین علت، هنگامی که حیوان متعلق به فردی بر حیوان دیگری یا مال او هجوم بیاورد و خسارت وارد کند، صاحب حیوان ضامن نیست، مگر اینکه در حفظ آن تقصیر و کوتاهی نموده باشد.

نتیجه‌گیری

قواعد فقهی لاضرر، اتلاف و تسبیب ظرفیت بالایی برای تعیین مسئولیت مدنی دارند. قواعد پیش گفته چه در فقه و چه در حقوق مبنای اصیل شرعی، حقوقی و عقلی بر مسئولیت افرادی هستند که اقدام به انتقال بیماری می‌نمایند. بنابر یافته‌های این تحقیق هر فردی که عالمانه و عامدانه اقدام به انتقال بیماری خود نماید و یا فرد سوم اقدام به انتشار بیماری نماید، موظف به پرداخت خساراتی است که به غیر وارد شده است. این اقدام یا به صورت مستقیم رخ می‌دهد و یا به صورت غیر مستقیم. در صورتی که به صورت مستقیم باشد خواه اقدام وی از روی عمد باشد و یا غیر عمد، یا علم باشد یا بدون علم، مسئول جبران خسارات خواهد بود. ولی اگر اقدام به صورت غیر مستقیم رخ دهد، در صورتی ضامن خواهد بود که در عمل خویش تقصیر داشته باشد. با این بیان که اگر انتشار بیماری در اثر بی احتیاطی باشد، انتقال دهنده ضامن خواهد بود. خسارات در این مورد شامل تمام هزینه‌های درمان و نیز خساراتی است که به اموال فرد وارد آمده است. البته بنابر اینکه دیهف حکمی برای تأمین و جبران خسارت باشد، می‌توان به این نکته نیز اشاره کرد که خسارات وارده به جان و اعضا هم مشمول مسئولیت فرد انتشار دهنده است. به عنوان پیشنهاد می‌توان گفت که باید ضوابط مشخصی در قوانین بهداشتی مبتنی بر فقه اسلامی تدوین گردد و پژوهش‌های آینده در زمینه تطبیق با نظام‌های حقوقی بین‌المللی و هماهنگی با آن‌ها انجام گیرند.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

قصد فرد، دخالتی در ضمان و عدم ضمان ندارد، ولی در تسبیب فقدان تقصیر می‌تواند رافع ضمان باشد.

تحلیل فقهی-حقوقی مسئولیت مدنی در انتقال بیماری‌ها

مطابق قواعد پیش گفته و نیز مبانی حقوقی مسئولیت مدنی، به نظر می‌رسد کسی که اقدام به سرایت دادن بیماری نماید می‌تواند دو حالت داشته باشد:

الف) به عمد و با آگاهی اقدام به سرایت دادن بیماری خود کند؛ در این صورت مطابق قاعده لاضرر، اتلاف و تسبیب، فردی که بیماری را انتقال داده و یا سبب انتقال بیماری بوده، ضامن خساراتی است که به دیگری وارد آورده است.

ب) بدون عنصر عمد و عدم آگاهی، سبب سرایت بیماری شود؛ در این صورت اگر تلف به صورت مستقیم بوده باشد، مطابق قاعده اتلاف و لاضرر، فرد انتقال دهنده مسئول خساراتی است که به سبب بیماری به دیگری وارد می‌آورد. مقتضای قاعده تسبیب نیز، ضمان در صورت احراز عنصر تقصیر است که خود را در قالب افراط (تعدی) یا تفریط (کوتاهی) نشان می‌دهد. در غیر اینصورت نمی‌توان فرد بیمار را مسئول شناخت. به عنوان مثال بیماری زمانی که بیماری خود را عمداً پنهان داشته باشد، در این صورت تفریط بر او صدق می‌کند. و یا در صورتی که ابزار و وسائل آلوده را در دسترس افراد غافل قرار دهد که می‌تواند مصداق افراط باشد. مؤسسات پزشکی اعم از دولتی و خصوصی نیز به مقتضای مسئولیتی که دارند، آموزش‌های لازم را در رابطه با بیماری‌ها و نیز برخورد با بیمار و ابزار مخصوص بیماران را آموخته‌اند. به عنوان مثال امحاء زباله‌های عفونی با پروتکل‌های ویژه‌ای انجام می‌شود و یا انتقال دارو و تجهیزات پزشکی روند خاص خود را دارد. هر نوع افراط و تفریط در این امور می‌تواند مسئولیت جبران خسارات را برای آن‌ها در پی داشته باشد.

EXTENDED ABSTRACT

The question of civil liability in the transmission of contagious diseases has emerged as one of the most pressing challenges at the intersection of jurisprudence, law, and public health, particularly in light of the global crises witnessed in recent decades. The expansion of lethal or partially lethal infectious diseases has not only imposed heavy social and economic costs but has also prompted jurists and legal scholars to revisit the normative foundations of liability and obligation. Infectious diseases are distinct in their features: they often involve a latency period between transmission and manifestation, the awareness or unawareness of the carrier, issues of consent between the involved parties, and the difficulty of identifying the exact transmitter when multiple social interactions overlap. These complexities complicate the proof of causation, which is the indispensable condition for attributing liability. While some jurists have therefore hesitated to extend capital punishments or hudud to individuals transmitting diseases, the broader scope of civil and discretionary liability remains intact, ensuring that such conduct can still be sanctioned within the framework of Islamic and statutory law. The jurisprudential inquiry is, therefore, not merely academic: it bears directly on how societies rooted in Islamic law respond to the public health challenges of epidemics while upholding justice. Clarifying the religious and legal duties of the patient or potential carrier thus becomes both a public necessity and a legal imperative, providing a path for integrating health regulations with established jurisprudential doctrines.

At the heart of this inquiry lies the notion of *mabani* or foundations, a term drawn from the Arabic root *b-n-y*, meaning structure or root, and understood in jurisprudence as the underlying principles from which arguments and rules are derived (Ibn Manzur, 1994). In the context of liability, these foundations serve

as the bridge between abstract normative commitments and concrete legal obligations. Civil liability itself, derived from the root *s-a-l*, denotes the obligation of a person to repair harm or compensate for damages wrongfully inflicted on another (Al-Raghib al-Isfahani, 1992; Ibn al-Athir). This obligation is not limited to restitution after harm but is equally grounded in the principle of prevention, aiming to deter harmful acts before they occur. Contemporary jurisprudence and modern legal doctrines converge here, emphasizing the preventive dimension of civil liability, not only as an economic efficiency principle but also as a moral and religious duty supported by the precautionary principle (Qeysari et al., 2021). Within the Islamic legal framework, this preventive orientation resonates with the principle of *ihteyat* (precaution) and the rule of averting probable harm, thus broadening the scope of liability beyond mere compensation to include deterrence and proactive safeguarding of community health. The principle of *la darar* (no harm) constitutes the first and most fundamental basis for addressing liability in disease transmission. This principle, enshrined in jurisprudence and codified in civil statutes, holds that any act or omission that inflicts harm on others must be remedied (Taheri, 1998). The concept of harm here encompasses both material damages, such as medical expenses and lost wages, and immaterial damages, including pain, suffering, and emotional distress. Islamic law's comprehensive approach is particularly notable in its recognition of both tangible and intangible losses, aligning with modern doctrines that treat *loss of profit* (*adam al-naḥ*) as a compensable harm. Jurisprudential sources also emphasize that liability is not contingent upon the legal capacity of the perpetrator: minors, the insane, and even those lacking discretion are deemed liable if their actions cause harm. The scope of this

principle has been reflected in statutory law, including provisions of the Iranian Civil Code that explicitly restrict the exercise of ownership rights when it entails harm to others. Applied to infectious diseases, *la darar* unequivocally prohibits any conduct that results in harm through the spread of illness, whether intentional or unintentional, direct or indirect. Thus, even in cases where identifying the precise causal chain is difficult, the general prohibition on harmful acts allows courts to impose liability in order to protect societal health and justice.

The second foundational principle, *itlaf* (direct destruction or loss), shifts attention to cases where the act of transmission is immediate and proximate. Derived from the root *t-l-f*, meaning destruction, this principle establishes that anyone who directly destroys the property, health, or integrity of another is strictly liable (Al-Farahidi, 1989; Al-Husseini al-Maraghi, 1997; Mustafavi, 2001). The jurisprudential rule, supported by widely cited traditions such as “whoever destroys the property of another is liable,” forms the backbone of this doctrine (Muhaqqiq Damad, 1986). Importantly, *itlaf* distinguishes between two forms: *itlaf haqiqi* (true destruction), where the object itself is annihilated, and *itlaf hukmi* (constructive destruction), where the object remains but loses its utility or value. Applied to the transmission of disease, this framework treats medical expenses and the deterioration of health as direct harms that must be compensated. Civil codes, including Article 328 of the Iranian Civil Code, explicitly affirm that liability attaches regardless of intent or knowledge, underscoring that negligence or inadvertence does not exempt the perpetrator. The principle thus introduces a regime of strict liability for direct transmissions: a person who knowingly or unknowingly coughs, sneezes, or otherwise spreads infection directly to another is considered a *mubashir* (direct agent) and is

bound to repair the resulting harm. The rule’s expansive scope, covering both intentional and unintentional acts, ensures that victims are not left without remedy simply because the transmission lacked malice.

The third principle, *tasbib* (causation), addresses indirect forms of transmission, where the individual does not directly inflict harm but creates the conditions that lead to it. Jurists define *tasbib* as any action that facilitates harm such that, without it, the harm would not have occurred. Examples range from digging a pit that someone later falls into to leaving contaminated instruments in public places (Al-Najafi, 1984; Khomeini). In the domain of infectious disease, *tasbib* encompasses behaviors such as violating quarantine, concealing illness, or failing to observe public health protocols. The jurisprudential tradition acknowledges the simultaneity of *mubashir* (direct actor) and *musabbib* (indirect causer), with liability attaching to both, though in practice, the strength of the direct cause may overshadow the indirect one (Muhaqqiq Damad, 1986). Yet, where negligence (*tafriṭ*) or excess (*ta’addi*) is established, the indirect actor remains liable. This principle is thus particularly significant for addressing institutional liability: hospitals, public officials, or other actors who fail in their duties to contain or disclose outbreaks may be held accountable as indirect causers of harm. In a modern context, the principle of *tasbib* aligns with doctrines of negligence and duty of care, ensuring that liability extends beyond immediate transmission to include systemic failures that facilitate the spread of disease. It highlights the ethical and legal responsibility of individuals and institutions alike to prevent foreseeable risks.

Taken together, these three principles—*la darar*, *itlaf*, and *tasbib*—form a coherent framework for adjudicating liability in the transmission of contagious diseases. Their complementarity ensures that no harmful act

escapes accountability: *la darar* provides the general prohibition against harm, *itlaf* imposes strict liability for direct transmissions, and *tasbib* extends responsibility to indirect, negligent, or facilitative conduct. The integration of these principles into statutory and judicial practice demonstrates the adaptability of Islamic jurisprudence in addressing contemporary challenges such as pandemics. They provide a foundation not only for compensating victims but also for establishing preventive norms, thereby reinforcing the role of law as a tool of public health governance. By grounding liability in both strict and fault-based doctrines, this framework balances fairness to defendants with protection for victims, ensuring that justice is upheld even amid the complexities of disease transmission.

In conclusion, the jurisprudential foundations of civil liability offer robust mechanisms for addressing the harms arising from contagious disease transmission. By harmonizing religious principles with legal doctrines, Islamic jurisprudence ensures that both direct and indirect forms of harmful conduct are met with appropriate responsibility. The principles of *la darar*, *itlaf*, and *tasbib* collectively provide a comprehensive basis for liability, safeguarding not only the rights of individuals but also the health of the broader community. The study affirms that liability in such cases is not merely retrospective, compensating for harms already suffered, but is also prospective, aimed at deterring harmful behavior and strengthening social responsibility. As societies continue to grapple with emerging infectious diseases, these principles underscore the enduring relevance of jurisprudential reasoning in guiding legal responses that are both just and effective.

References

Al-Farahidi, K. i. A. (1989). *Kitab al-Ayn* (2nd ed.).

- Al-Husseini al-Maraghi, S. M. A. a.-F. i. A. (1997). *Al-Anawin al-Fiqhiyah* (1st ed.). Islamic Publications Office.
- Al-Jawhari, I. i. i. H. (1990). *Al-Sihah* (1st ed.). Dar al-Ilm lil-Malayin.
- Al-Najafi, M. H. (1984). *Jawahir al-Kalam fi Sharh Shara'i' al-Islam* (7th ed.). Dar Ihya' al-Turath al-Arabi.
- Al-Raghib al-Isfahani, H. i. M. (1992). *Mufradat Alfaz al-Quran* (1st ed.).
- Al-Turayhi, F. a.-D. i. M. (1996). *Majma' al-Bahrayn* (3rd ed.).
- Ansari, M. (2005). *Encyclopedia of Private Law*. Mehrab-e Fekr.
- Emami, S. H. *Civil Law*. Islamiyah Publications.
- Ibn al-Athir, M. i. M. *Al-Nihayah fi Gharib al-Hadith wa al-Athar* (1st ed.). Isma'ilian Publications Foundation.
- Ibn Manzur, M. i. M. (1994). *Lisan al-Arab*. Dar al-Fikr.
- Khomeini, S. R. M. *Tahrir al-Wasilah*. Dar al-Ilm Publications Institute.
- Muhaqqiq Damad, S. M. (1986). *Legal Rules (Qawa'id al-Fiqh)* (12th ed.). Center for the Publication of Islamic Sciences.
- Mustafavi, S. M. K. (2001). *One Hundred Legal Rules (Mi'ah Qa'idah Fiqhiyah)*. Islamic Publications Office.
- Qeysari, S. A., Yusefzadeh, M., & Mohammadi, M. R. (2021). An Analytical and Critical View on Protective Measures and Preventive Mechanisms in Iranian Civil Liability Law. *University of Tehran Private Law Studies Quarterly*, 50(2).
- Taheri, H. (1998). *Civil Law* (2nd ed.). Islamic Publications Office.